

از جنگ روسیه و اوکراین برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه، که پیروزی سریع و آسانی را برای روس‌ها متصور بود، نزدیک به یک سال می‌گذرد و جبهه جنگ و درگیری به جای کی‌اف (پایتخت) بر مناطق شرقی و جنوب شرقی اوکراین در مجاورت با مرزهای روسیه و دریای سیاه متمرکز شده است. این جنگ، که بزرگ‌ترین چالش امنیتی اروپا پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود، آثار و نتایج بسیار عمیق و گسترده‌ای را بر اقتصاد، امنیت و ژئوپولیتیک جهانی بر جای نهاده است که از منظر تقابل شدید سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهان غرب با فدراسیون روسیه، تنها با تقابل اتحاد جماهیر شوروی و جهان غرب (در دوره جنگ سرد) قابل مقایسه است. اگر آثار و نتایج سیاسی، امنیتی و ژئوپولیتیک جنگ اوکراین بگذریم، که موضوع این یادداشت نیست، این جنگ آثار و نتایج قابل توجهی را در سطح اقتصاد بین‌الملل به دنبال داشته است که تلاطم شدید قیمت غلات و دانه‌های روغنی (به دلیل سهم بزرگ اوکراین در تولید این محصولات) و نیز تغییرات قیمت جهانی نفت و گاز (به دلیل نقش تأثیرگذار روسیه در صادرات نفت و گاز به اروپا) از جمله مهم‌ترین موارد آن به شمار می‌رود.

در این میان، اقتصاد ایران نیز در بخش‌های مختلف، تحت تأثیر پیامدهای مثبت و منفی جنگ اوکراین قرار گرفته است. افزایش قیمت نهاده‌های دامی، غلات به‌ویژه آرد و دانه‌های روغنی در داخل کشور، از جمله آثار منفی جنگ اوکراین برای اقتصاد ایران بوده است. اما در مقابل، افزایش قیمت جهانی نفت، منافع بالقوه‌ای را برای ایران در پی داشته است. منافعی که البته با اقدام روسیه در عرضه و فروش نفت و فولاد به قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت جهانی آن مانع از بهره‌مندی حداکثری کشورمان از فرصت جنگ اوکراین شده است. در زمینه صادرات گاز طبیعی ایران به اروپا نیز، که یکی از جایگزین‌های بالقوه گاز روسیه برای اروپا به شمار می‌رود، عدم امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه طرح‌های کلان‌گازی کشور بر اثر تداوم تحریم‌های ظالمانه برای بیش از یک دهه، مانع از ایجاد زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های لازم برای صادرات گاز ایران به اروپا شده است. از سوی دیگر، بخش اعظم ظرفیت تولیدی گاز کشور، صرف مصارف داخلی در بخش‌های خانگی و صنعتی و نیز خودروهای گازسوز می‌شود و بخش باقی‌مانده نیز صرف صادرات گاز ایران به برخی از کشورهای همسایه مانند نخجوان (جمهوری آذربایجان)، ارمنستان، ترکیه و عراق می‌شود؛ بنابراین امکان جایگزین‌سازی ایران با روسیه در صادرات گاز به اروپا در کوتاه‌مدت، تحلیلی واقع‌بینانه نیست و با واقعیات کنونی کشورمان نیز مطابقت ندارد. در عین حال، جنگ روسیه و اوکراین فرصت‌ها و ظرفیت‌های تازه‌ای را برای ایران ایجاد کرده است که استفاده مؤثر از آن به هماهنگی و همکاری گسترده و نظام‌مند بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی در داخل کشور نیاز دارد:

اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت با ایران

فرصت نخست برای ایران تحولاتی است که متعاقب جنگ اوکراین، در حوزه ترانزیت و مسیرهای ارتباطی ایجاد شده است. تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه، امکان عملیاتی شدن مسیرهای ترانزیتی «شرقی غربی» را از روسیه به اروپا، از جمله مسیر شمالی طرح راه ابریشم چین (ابتکار یک کمربند - یک راه) و نیز «پل زمینی اوراسیای جدید» (New Eurasian Land Bridge) که روسیه را به اوکراین، بلاروس و لهستان متصل خواهد کرد، به کلی ممتنع ساخته یا دست‌کم برای آینده نامعلومی با ابهام جدی مواجه کرده است. روسیه برای خروج از این بن‌بست ترانزیتی، توجه بیشتری را به «کریدور شمال جنوب» نشان داده است و این امر، با توجه به جایگاه و نقش مهم ایران در این کریدور، فرصت و ظرفیت جدیدی برای کشورمان محسوب می‌شود. در حال حاضر، مسیر ریلی روسیه به قزاقستان، که از آنجا به ترکمنستان و ایران (مسیر ریلی شرق خزر) متصل می‌شود،